

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# مبلغان دسایر کے چہار دہلا خورشید



[www.14khorshid.ir](http://www.14khorshid.ir)

ورود به سایت: [www.14khorshid.ir](http://www.14khorshid.ir)

---

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



حوزه علمیه امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام یاسوج

معاونت پژوهش

<b>شبهات پنهان تشیع</b> ایاز دواج دو دختر پیامبر با عثمان صحت دارد
<b>حجه الاسلام والمسلمین افشار</b>
<b>صادق کمال فرد</b> طلبه پایه: ۶
<b>۹۱-۹۲</b>
<b>دوم</b>

موضوع:

استاد راهنما:

پژوهش گر:

سال تحصیلی:

نیم سال:

چهارم راه خورشید

هشدار

\* کلیه حقوق این مقاله متعلق به حوزه علمیه امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام یاسوج می باشد.  
\* هرگونه سوء استفاده شرعاً و قانوناً جایز نمی باشد.

ورود به سایت

دلایلی که در این باره آورده شده است عبارت انداز:

۱. عدم وجود رابطه صمیمانه بین پیامبر و دیگر دختران آن حضرت :

با رجوع به سیره نبی مکرم اسلام و دقت در آن ، در می یابیم که روایات بسیاری از رابطه بسیار صمیمانه نبی مکرم اسلام و دختر بزرگوارش صدیقه طاهره سلام الله علیها حکایت می کند ؛ تا جایی هر زمانی پیامبر اسلام به سفر می رفت ، آخرین کسی که با او خدا حافظی می کرد ، فاطمه زهرا بود و وقتی از سفر بر می گشت ، قبل از هر کاری به دیدار فاطمه می رفت و در خانه او را می زد . روایات فراوانی در کتاب های شیعه و سنی این رابطه بسیار صمیمانه را ثابت می کند ؛ از جمله بسیاری از علمای شیعه و سنی یکی از القاب آن حضرت را « ام ابیها » نقل کرده اند . ابن حجر عسقلانی در تهذیب و الإصابه ، ذهبی در سیر اعلام النبلاء و الکاشف خود نوشته اند : (فاطمه الزهراء ... کانت تکنی أم ابیها) .(۱)

و اما هیچ روایتی ؛ حتی یک روایت ضعیف نیز در کتاب‌های شیعه و سنی نقل نشده است که پیامبر اسلام حتی یکبار در خانه رقیه و ام کلثوم را زده باشد . چرا پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم این رابطه بسیار صمیمانه را با دیگر دختران خود نداشته است ؛ نه در مدینه و نه حتی در مکه ؟ مگر نه این که به ادعای اهل سنت آن‌ها نیز یادگار خدیجه بودند ؟

هر چند که فاطمه زهرا از هر نظر از تمامی زنان عالم متمایز بوده است ؛ ولی اگر پیامبر دختری غیر از فاطمه داشت ، شایسته بود که این رابطه صمیمانه بین آن‌ها نیز وجود داشته باشد .

و یا در زمانی که کفار قریش پیامبر اسلام را آزار و اذیت می‌کردند ، دیگر دختران رسول خدا کجا بودند که از پدر حمایت کنند ؟ بخاری و مسلم در صحیحشان نوشته‌اند :

عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ قَالَ بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّي عِنْدَ الْبَيْتِ وَأَبُو جَهْلٍ وَأَصْحَابٌ لَهُ جُلُوسٌ وَقَدْ نَحَرَتْ جَزُورٌ بِالْأَمْسِ فَقَالَ أَبُو جَهْلٍ أَيُّكُمْ يَقُومُ إِلَى سَلَا جَزُورِ بَنِي فُلَانٍ فَيَأْخُذُهُ فَيَضَعُهُ فِي كَتْفِي مُحَمَّدٌ إِذَا سَجَدَ فَاثْبَعَتْ أَشَقَى الْقَوْمِ فَأَخَذَهُ فَلَمَّا سَجَدَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَضَعَهُ بَيْنَ كَتْفَيْهِ قَالَ فَاسْتَضْحَكُوا وَجَعَلَ بَعْضُهُمْ يَمِيلُ عَلَيَّ بَعْضٌ وَأَنَا قَائِمٌ أَنْظُرُ لَوْ كَانَتْ لِي مَنَعَةٌ طَرَحْتُهُ عَنْ ظَهْرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَالنَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَاجِدٌ مَا يَرْفَعُ رَأْسَهُ حَتَّى انْطَلَقَ إِنْسَانٌ فَأَخْبَرَ فَاطِمَةَ فَجَاءَتْ وَهِيَ جَوِيرِيَةٌ فَطَرَحْتُهُ عَنْهُ ثُمَّ أَقْبَلَتْ عَلَيْهِمْ تَشْتِمُهُمْ. (١)

---

١- صحیح البخاری - البخاری - ج ١ - ص ٦٥ و صحیح مسلم - مسلم النیسابوری - ج ٥ - ص

از ابن مسعود روایت شده است که گفت: هنگامی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در برابر خانه کعبه نماز می‌گزارد، ابو جهل و همدستانش در نزدیکی خانه نشسته بودند و یک روز قبل از آن، بچه شتری نحر شده بود. ابو جهل به همدستان خود گفت: کدامیک از شما حاضر است برود و شکمبه آن شتر را بیاورد و هنگامی که محمد صلی الله علیه و آله در سجده است، آن‌ها را روی شانه او بیفکند؟ بدترین آنها پیشقدم شد و دستور ابو جهل را عملی ساخت. در حالی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در سجده بود، آن شکمبه آلوده را روی شانه رسول خدا صلی الله علیه و آله افکند. ابو جهل و همدستانش از مشاهده این منظره بسیار خندیدند به طوری که بعضی از آن‌ها از شدت خنده به روی دیگری می‌افتاد!

ابن مسعود می‌گوید: من در این هنگام گوشه‌ای ایستاده بودم و جریان را مشاهده می‌کردم، لیکن جرئت آن را نداشتم که شکمبه را از روی شانه حضرت بردارم. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله همچنان در حال سجده بود و سر از سجده بر نمی‌داشت تا این که مردی به حضور حضرت زهرا علیها السلام شتافت و جریان را به عرض رسانید. حضرت فاطمه علیها السلام در حالی که از شنیدن این سخن به شدت ناراحت شده بود، آمد و آن را از روی دوش حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله برداشت و آن‌ها را مورد شماتت و ملامت قرار داد.

در تمامی گرفتاری‌هایی که برای نبی مکرم اسلام پیش می‌آمد، تنها کسی که می‌آمد پدر را دلداری می‌داد، زخم‌های او را مداوا می‌کرد، فاطمه زهرا بود. اگر آن‌ها نیز دختر رسول خدا بودند، شایسته بود که آن‌ها نیز فاطمه را در دفاع از پدر یاری کنند.

بعد از جنگ احد که صورت نبی مکرم زخمی شده بود، رقیه و ام کلثوم کجا بودند که همانند فاطمه بیایند و زخم‌های پدر را شستشو بدهند؟

مگر نه این که به قول آن‌ها، آن دو نیز دختران پیامبر بودند؛ پس چرا هیچ نوع رابطه‌ای بین پیامبر اسلام با دختران دیگرش نقل نشده است؟

۲. در قضیه مباحله که پیامبر تمام بستگان درجه یک خود را انتخاب کرد، چرا دیگر دختران خود را نبرد و از بین «نساء» خود فقط فاطمه را انتخاب کرد؟

مسلم در صحیح خود می‌نویسد:

عَنْ عَامِرِ بْنِ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَّاصٍ عَنِ أَبِيهِ قَالَ قَالَ أَمْرٌ مُعَاوِيَةُ بْنُ أَبِي سُفْيَانَ سَعْدًا فَقَالَ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسُبَّ أَبَا التَّرَابِ فَقَالَ أَمَا مَا ذَكَرْتُ نَلَانَا قَالَهُنَّ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَلَنْ أَسْبَهُ لَأَنْ تَكُونَ لِي وَاحِدَةً مِنْهُنَّ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ حُمْرِ النَّعَمِ ... وَلَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ آيَةٌ { قُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ { دَعَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَحَسَنًا وَحُسَيْنًا فَقَالَ اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلِي. (۱)

۱- صحیح مسلم، ج ۵، ص ۲۳، کتاب فضائل الصحابة، باب من فضائل علی بن ابی طالب، ح ۳۲.

عامر بن سعد بن ابی وقاص از پدرش (سعد بن ابی وقاص) نقل کرده است که معاویه سعد را امر کرد و گفت: تو را چه مانع است که ابوتراب (علی بن ابی طالب - علیه السلام) را دشنام دهی؟ (سعد) گفت: من سه چیز (سه فضیلت) را از او در خاطر دارم، که رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - درباره وی فرموده است، هرگز وی را دشنام نخواهم داد. چنانچه من یکی از این سه فضیلت را می داشتم از شتران سرخ مو برایم محبوبتر بود ... وقتی این آیه نازل گردید: (... فقل تعالوا ندع أبناءنا و أبناءکم و نساءنا و نساءکم و أنفسنا و أنفسکم ...) پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - علی و فاطمه و حسن و حسین - علیهم السلام - را فراخواند و فرمود: «خدایا، اینان اهل من هستند».

آیا «نساءنا» شامل دیگر دختران پیامبر نمی‌شد، یا پیامبر دختر دیگری غیر از صدیقه طاهره نداشت؟

۳. چرا هیچ کس از دیگر دختران پیامبر خواستگاری نکردند؟

قضیه دیگری که بطلان این قضیه را روشن می‌کند، این است که در هیچ جایی از تاریخ ثبت نشده است که در مدینه، احدی از مهاجرین و یا انصار به خواستگاری ام کلثوم رفته باشد؛ با این که برای خواستگاری از فاطمه زهرا و رسیدن به افتخار دامادی پیامبر، بر یکدیگر پیش دستی می‌کردند و هر کس دوست داشت این افتخار نصیب او شود. آیا ام کلثوم دختر پیامبر نبود یا اصلاً چنین دختری وجود خارجی نداشت؟

۴. حرمت جمع بین دختران رسول خدا و دختران دشمن خدا:

علما و محدثین اهل سنت برای خرده گیری از امیر المؤمنین علیه السلام نقل کرده‌اند که آن حضرت در زمانی که فاطمه سلام الله علیها همسر او بود، دختر ابو جهل را نیز خواستگاری کرد. این امر باعث شد که صدیقه طاهره ناراحت شده و شکایت خود را پیش پیامبر ببرد!! پیامبر اسلام وقتی از این قضیه با خبر شدند، با عصبانیت به مسجد آمد و فرمود:

وَإِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي وَإِنِّي أَكْرَهُ أَنْ يَسُوءَهَا وَاللَّهِ لَا تَجْتَمِعُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَبِنْتُ عَدُوِّ اللَّهِ عِنْدَ رَجُلٍ وَاحِدٍ. (۱)

فاطمه پاره تن من است، من دوست ندارم کسی او را ناراحت کند، به خدا قسم نباید دختر رسول خدا و دختر دشمن خدا در نزد یک نفر جمع شود

و در روایت دیگری نوشته‌اند که آن حضرت فرمود :

إِلَّا أَنْ يُرِيدَ ابْنُ أَبِي طَالِبٍ أَنْ يُطَلِّقَ ابْنَتِي وَيَنْكِحَ ابْنَتَهُمْ فَإِنَّمَا هِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي يُرِيدُنِي مَا أَرَاهَا وَيُؤْذِنِي مَا آذَاهَا .

صحیح البخاری ج ۶، ص ۱۵۸، ح ۵۲۳۰، کتاب النکاح، ب ۱۰۹ - باب ذبُّ الرَّجُلِ عَنِ ابْنَتِهِ، فِي الْغَيْرَةِ وَالْإِنْصَافِ وَ صَحِيحِ مُسْلِمٍ، ج ۷، ص ۱۴۱، ح ۶۲۰۱، کتاب فضائل الصحابة رضی الله تعالی عنهم، ب ۱۵ - باب فضائلِ فَاطِمَةَ بِنْتِ النَّبِيِّ عَلَيْهَا الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ. (۱)

علی (علیه السلام) اگر می‌خواهد دختر ابوجهل را بگیرد، باید دختر من را طلاق بدهد. فاطمه پاره تن من است، آن چه که موجب رنجش فاطمه بشود، مرا می‌رنجاند ...

از آن جایی که بحث تنقیص مقام امیر المؤمنین علیه السلام در میان است، علمای اهل سنت این قضیه را با آب و تاب فراوانی نقل کرده‌اند؛ غافل از این که عثمان بن عفان نیز عملاً بین دختران پیامبر و دختران دشمن خدا نه یکبار که چندین بار جمع کرده است.

رملة بنت شیبیه، یکی از همسران عثمان است که در مکه با او ازدواج کرد و از کسانی بود که همراه عثمان به مدینه مهاجرت کرد. ابن عبد البر در این زمینه می‌نویسد :

رملة بنت شیبیه بن ربیعۃ کانت من المهاجرات هاجرت مع زوجها عثمان بن عفان.

رملة ، دختر شیبه از کسانی بود که همراه همسرش عثمان به مدینه مهاجرت کرد .

و شیبه از دشمنان پیامبر اسلام است که در جنگ بدر به هلاکت رسیده است ؛ چنانچه ابن حجر می‌نویسد :

رملة بنت شیبة بن ربیعة بن عبد شمس العبشمیة قتل أبوها يوم بدر کافرا. (۱)

رملة ، دختر شیبه ... پدرش در جنگ بدر کشته شد ، در حالی که کافر بود .

در حالی که نوشته‌اند در همان زمان رقیه دختر رسول خدا ! نیز همسر عثمان بوده است . ابن اثیر در اسد الغابة می‌نویسد :

ولما أسلم عثمان زوجة رسول الله صلى الله عليه وسلم بابنته رقية وهاجرا كلاهما إلى أرض الحبشة الهجرتين ثم عاد إلى مكة وهاجر إلى المدينة. (۲)

زمانی که عثمان اسلام آورد ، رسول خدا دخترش رقیه را به همسری او درآورد ، هر دوی آنها به سرزمین حبشه مهاجرت کردند ، سپس وقتی از آنجا بازگشتند ، به مدینه مهاجرت کردند .

---

۱-الإصابة، ج ۸، ص ۱۴۲ - ۱۴۳ رقم ۱۱۱۹۲.

۲-أسد الغابة، ج ۳، ص ۳۷۶ .



علاوه بر این ، عثمان با أم البنین بنت عیینة و فاطمة بنت الولید بن عبد شمس نیز ازدواج کرده است ؛ در حالی که پدر هر دوی آنها نیز در آن زمان از دشمنان خدا بوده‌اند .

اگر واقعاً جمع بین دختر رسول خدا و دختر دشمن خدا ، حرام بوده است ، چرا عثمان این عمل حرام را بارها و بارها مرتکب شده است ؟ و اگر حرام نبوده ، چرا پیامبر اسلام به قول اهل سنت اجازه چنین کاری را به امیر المؤمنین نداد و نعوذ بالله می‌خواست حلال خدا را حرام کند ؟ پس معلوم می‌شود که یا قضیه خواستگاری از دختر ابوجهل از اختراعات بنی امیه و برای تنقیص مقام امیر المؤمنین است ، یا پیامبر اسلام دختری غیر از صدیقه طاهره نداشته است ؟

۵ . از دلایلی که دروغ بودن این قضیه را روشن می‌سازد ، این است که بسیاری از علمای اهل سنت و از جمله ضیاء المقدسی گفته‌اند :

عن قتادة ، قال : ولدت خديجة لرسول الله ( صلى الله عليه وآله وسلم ) : عبد مناف في الجاهلية ، وولدت له في الاسلام غلامين ، وأربع بنات : القاسم ، وبه كان يكنى : أبا القاسم ، فعاش حتى مشى ، ثم مات ، و عبد الله ، مات صغيرا . وأم كلثوم . وزينب . ورقية . وفاطمة ... ( ۱ )

قتاده گفته است : خدیجه برای نبی مکرم اسلام ، در عهد جاهلیت ، عبد مناف را به دنیا آورد و بعد از اسلام ، دو پسر و چهار دختر به نام های : قاسم - به خاطر او کنیه پیامبر را «ابوالقاسم» گذاشتند ، آن قدر زنده بود که می‌توانست راه برود بعد از آن فوت کرد - و عبد الله که خردسال فوت کرد ، و ام کلثوم ، زینب ، رقیه و فاطمه را به دنیا آورد .

شهاب الدین قسطلانی بعد از نقل سخن مقدسی می نویسد :

وقیل : ولد له ولد قبل المبعث ، یقال له : عبد مناف ، فیکونون علی هذا اثنی عشر ، وکلهم سوی هذا ولد فی الاسلام بعد المبعث . (۱)

گفته اند که که خدیجه قبل از مبعث یک پسر برای او به دنیا آورد که به او عبد مناف می گفتند ، غیر از عبد مناف بقیه فرزندان پیامبر بعد از مبعث متولد شده است .

و ابن عبد البر در الإستیعاب می نویسد :

وقال الزبیر ولد لرسول الله صلی الله علیه وسلم القاسم وهو أكبر ولده ثم زینب ثم عبد الله وكان یقال له الطیب ویقال له الطاهر ولد بعد النبوة ثم أم کلثوم ثم فاطمة ثم رقیة . (۲)

زبیر گفته : نخستین فرزند رسول خدا که به دنیا آمد ، قاسم بود و او از همه بزرگتر بود ، پس او زینب ، و پس از وی عبد الله که به وی طیب و یا طاهر نیز می گفتند بعد از نبوت متولد شد ، پس از آن ام کلثوم ، سپس فاطمه و پس از وی رقیه به دنیا آمدند .

از طرف دیگر نوشته اند که رقیه ، کوچکترین دختر رسول خدا و حتی از حضرت زهرا سلام الله علیها نیز کوچکتر بوده است .

---

۱-المواهب اللدنیة ، ج ۱ ، ص ۱۹۶ .

۲-الاستیعاب - ابن عبد البر - ج ۴ - ص ۱۸۱۸ .

چنانچه ابن کثیر دمشقی می‌نویسد :

أكبر ولده عليه الصلاة والسلام القاسم ، ثم زينب ، ثم عبد الله ، ثم أم كلثوم ثم فاطمة ثم رقية ...  
بزرگترین فرزند ، پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم قاسم ، و پس از آن ، زینب ، عبد الله ، ام کلثوم ،  
فاطمه و پس از آن رقیه بوده است .

با این تفصیل ، چگونه می‌توان این سخن اهل سنت را تصدیق کرد که رقیه با عثمان ازدواج کرده ،  
بعد با او به حبشه مهاجرت نموده و حتی در داخل کشتی فرزندی از او سقط شده است !!! . با این که  
می‌دانیم ، هجرت اول به حبشه در سال پنجم بعد از بعثت بوده است .

و همچنین بسیاری از علمای اهل سنت نوشته‌اند که ام کلثوم رقیه قبل از این که با عثمان ازدواج کند  
در عقد پسران اُبی لهب بوده‌اند و بعد از آن که سوره تبت در حق اُبی لهب نازل شد ، وی به  
فرزندانش دستور داد که دختران رسول خدا را طلاق بدهند . ابن اثیر در اسد الغابة می‌نویسد :

قد زوج ابنته رقية من عتبة بن ابي لهب وزوج أختها أم كلثوم عتيبة بن ابي لهب فلما نزلت سورة تبت  
قال لهما أبوهما أبو لهب وأمهما أم جميل بنت حرب بن أمية حمالة الحطب فارقا ابنتي محمد ففارقاهما  
(۱)...

رسول خدا ، دخترش رقیه را به عتبه پسر اُبی لهب و ام کلثوم را به عتبه پسر دیگر ابولهب داد ، وقتی  
سوره تبت نازل شد ، ابولهب و همسرش ام جمیل که همان «حمالة الحطب» باشد ، به پسرانش  
دستور دادند که دختران محمد را طلاق دهند . پس آنها را طلاق دادند ...

در حالی که می‌دانیم ، سوره تبت در زمانی نازل شده است که مسلمین در شعب اُبی طالب در محاصره بودند . سیوطی در الدر المنثور می‌نویسد :

وأخرج أبو نعیم فی الدلائل عن ابن عباس قال ما كان أبو لهب الا من كفار قريش ما هو حتى خرج من الشعب حين تمالات قريش حتى حصرونا في الشعب وظاهرهم فلما خرج أبو لهب من الشعب لقي هنداً بنت عتبة ابن ربيعة حين فارق قومه فقال يا ابنت عتبة هل نصرت اللات والعزى قالت نعم فجزاك الله خيراً يا أبا عتبة قال إن محمداً يعدنا أشياء لا نراها كائناً يزعم أنها كائناً بعد الموت فما ذاك وصنع في يدي ثم نفخ في يديه ثم قال تبا لكما ما أرى فيكما شيئاً مما يقول محمد فنزلت تبت يدا أبي لهب قال ابن عباس فحصرنا في الشعب ثلاث سنين وقطعوا عنا الميرة حتى أن الرجل .

الدر المنثور (١)

و محاصره در شعب اُبی طالب در سال ششم هجری و بعد از هجرت به حبشه بوده است .

با این حال چگونه می‌توان تصدیق کرد که همسر عثمان دختر پیامبر بوده است ؟

٦ . محمد بن اسماعیل بخاری می‌نویسد ، شخصی پیش عبد الله بن عمر آمد و از او سؤالاتی کرد ؛ از جمله نظر او را در باره عثمان و امام علی علیه السلام پرسید ، وی در مقایسه بین عثمان و حضرت علی علیه السلام می‌گوید :

أَمَّا عُثْمَانُ فَكَأَنَّ اللَّهَ عَفَا عَنْهُ وَأَمَّا أَنْتُمْ فَكَرِهْتُمْ أَنْ تَعْفُوا عَنْهُ وَأَمَّا عَلِيُّ فَأَبْنُ عَمِّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَخَتَنَهُ ... (٢)

---

١-جلال الدين السيوطي - ج ٦ - ص ٤٠٨

٢-صحيح البخاري - البخاري - ج ٥ - ص ١٥٧ .

اما عثمان ، خداوند از گناه او ( فرار عثمان در جنگ احد ) درگذشت ؛ ولی شما دوست ندارید که او را ببخشید ، اما علی علیه السلام پس او پسر عموی رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم و داماد او است .

ملاحظه می فرمایید که دفاع عبد الله بن عمر از عثمان فقط در این مطلب خلاصه می شود که خداوند از گناه فرار وی در جنگ احد درگذشته است ؛ ولی صحابه ای که علیه او خروج کردند ، او را نبخشیده و عثمان را کشتند ؛ ولی این که عثمان داماد پیامبر نیز باشد ، متذکر نمی شود . اما نسبت به امیر المؤمنین علیه السلام استدلال می کند که او پسر عموی پیامبر و داماد آن حضرت است .

اگر عثمان داماد پیامبر بود ، باید ابن عمر به آن استدلال می کرد ؛ زیرا وی تمام تلاش خود را می کند که در برابر هر نوع تهمتی را از عثمان دفع کند و معنا ندارد که وقتی دلیل قویتری همانند دامادی پیامبر وجود دارد ، وی به دلیل سخیف و ضعیف استدلال کند ؛ زیرا عفو خداوند فقط شامل کسانی می شود که بعد از فهمیدن زنده بودن پیامبر از فرار دست کشیده و برگشتند و شامل عثمان که بعد از سه روز برگشت ، نمی شود . حتی اگر فرض کنیم که عفو خداوند شامل عثمان نیز می شود ، سبب نخواهد شد که خداوند تمامی گناهان او را که حتی بعد از آن نیز انجام داده ببخشد ؛ بلکه حد اکثر شامل فرار او در همان جنگ می شود .

بنابراین شایسته بود که اگر دامادی عثمان صحت داشت ، به آن استناد می کرد .

۷. حضرت زهرا سلام الله عليها بعد از غصب فدک توسط ابوبکر به مسجد آمد و خطبه غرائی خواند که بسیاری از علمای اهل سنت آن را نقل کرده‌اند. آن حضرت در بخش‌های از این خطبه می‌فرماید :

أنا فاطمة بنت محمد أقول عودا على بدء ، وما أقول ذلك سرفا ولا شططا... فإن تعزوه تجدوه أبي دون نساءكم وآخا ابن عمي دون رجالكم ، فبلغ الرسالة صادعا بالرسالة ناكبا عن سنن مدرجة المشركين ، ضاربا لثجهم آخذا بأكظامهم ، داعيا إلى سبيل ربه بالحكمة والموعظة الحسنة .

مناقب علی بن ابی طالب (ع) وما نزل من القرآن فی علی (ع) - ابی بکر أحمد بن موسی ابن مردویه الأصفهانی - ص ۲۰۲ و السقیفة وفدک (۱)

ای مردم آگاه باشید که من فاطمه و پدرم محمد است ، گفتارم تماما یک نواخت از سر صدق بوده و از غلط و نادرستی به دور است ... اگر تحقیق کنید (پیامبر اسلام) پدر من بود نه پدر زنان شما ، و در عقد اخوت پسر عموی من بود نه شما .

اگر زنان عثمان دختران پیامبر بودند ، نباید فاطمه زهرا سلام الله عليها که سرور زنان بهشت است ، چنین سخنی بگوید و از طرف دیگر عثمان نیز می‌توانست به این سخن حضرت اعتراض کند که زنان من نیز دختران پیامبر بودند .

۸. ابن الدمشقی و محب الدین طبری می‌نویسند :

أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال لعلی : أوتیت ثلاثا لم یؤتھن أحد ولا أنا ، أوتیت صھرا مثلی ولم أوت أنا مثلی ، وأوتیت زوجة صدیقة مثل بنتی ولم أوت مثلھا زوجة ، وأوتیت الحسن والحسین من صلیک ولم أوت من صلیی مثلھما ، ولکنکم منی وأنا منکم (۲)

۲-جواهر المطالب فی مناقب الإمام علی (ع) - ابن الدمشقی - ج ۱ - ص ۲۰۹

رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود : یا علی خدای تعالی سه گونه موهبت به تو عنایت فرموده است که به من و هیچیک از مردم ، عنایت نفرموده است :

۱. پدر زنی مانند من به تو ارزانی داشته است که به من عنایت نکرده است ؛ ۲. همسر پاکیزه گوهر

راستگو و راست رو به تو مرحمت داشته که به من عنایت نفرموده است ؛ ۳. حسن و حسینی از

پشت تو به وجود آورده است که چنان دو فرزندی از پشت من بوجود نیاورده است ؛ آری ! من از

شمایم و شما از من می باشد .

نتیجه گیری:

در این روایت پیامبر اسلام به صراحت می گوید که به احدی غیر از علی علیه السلام پدر زنی مثل من داده نشده است ، معلوم می شود که پیامبر دختر دیگری نداشته است و گرنه چنین سخنی نمی فرمود

الحمد لله رب العالمین



منابع:

- ١- الجوهري - ص ١٤٢ .
- ٢- جلال الدين السيوطي - ج ٦ - ص ٤٠٨
- ٣- صحيح البخاري - البخاري - ج ٥ - ص ١٥٧ .
- ٤- أسد الغابة - ابن الأثير - ج ٥ - ص ٤٥٦ .
- ٥- الإصابة - ابن حجر - ج ٨ - ص ٢٦٢
- ٦- صحيح البخاري - البخاري - ج ١ - ص ٦٥
- ٧- صحيح مسلم - مسلم النيسابوري - ج ٥ - ص ١٧٩ .
- ٨- صحيح مسلم ، ج ٥ ، ص ٢٣ ، كتاب فضائل الصحابة ، باب من فضائل علي بن أبي طالب ، ح ٣٢ .